سرقت باتری تریلی‌های پارک شده

سارقان به تریلی های پارک شده در حاشیه خیابان مقابل یک تعمیرگاه دستبرد زدند و باتری های آن ها را به یغما بردند. به گزارش خبرنگار ما، راننده تریلی در یکی از مکانیکی های شهرک غربی بجنورد زمانی که بعد از تعمیر خودرویش پشت فرمان نشست تا آن را روشن کند در کمال تعجب دید استارت خالی می زند و بعد از بررسی متوجه شد باتری های گران قیمت تریلی از سوی سارق یا سارقان به سرقت رفته است. مال باخته در این باره گفت: بعد از مدتی تریلی ام را برای تعمیر به یک مکانیکی بردم و بعد از چند روز زمانی که سراغ ماشین رفتم تا آن را تحویل بگیرم دوباره با مشکل تازه ای روبه رو شدم. وقتی استارت را چرخاندم دیدم تریلی روشن نمی شود برای همین زمانی که سراغ جعبه باتری ها رفتم دیدم قفل آن شکسته و باتری های سنگین وگران قیمت داخل آن به سرقت رفته است. وقتی موضوع را به صاحب مکانیکی اطلاع دادم او نیز متعجب شد و سریع با هم سراغ چند تریلی دیگر که برای تعمیر در حاشیه خیابان پارک شده بودند رفتیم و در کمال تعجب دیدیم سارقان باتری های آن ها را هم به یغما برده اند. بعد از این اتفاق علاوه بر هزینه تعمیرات نمی دانم چطور هزینه خرید باتری های گران قیمت تریلی ام را فراهم کنم. وی گفت: چون وزن و حجم باتری های تریلی زیاد و سنگین است هیچ کس به تنهایی نمی تواند آن ها را حمل و جا به جا کند برای همین حتما باید برای جا به جایی آن ها یک نیروی کمکی و خودرو وجود داشته باشد.

ماجرای زنی که می خواهد گذشته را جبران کند

کتک خوری تا خودزنی

صدیقی

هر بار که یاد پسرش می افتد چشمانش بارانی می شود و بغض اش می ترکد چون به گفته خودش سال هاست که از او دور شده و حسرت به آغوش کشیدنش در دل او سنگینی می کند. یک هفته بیشتر نیست که از دود و مواد دور شده است و در کمپ به سر می برد و آرزوهای دور و درازی برای خود و دو فرزندش دارد.

زن جوان می گوید: ۱۴ساله بودم که ازدواج کردم و در واقع خانواده ها یکی گرفتند و یکی دادند. شوهرم مکانیک بود و زندگی عادی داشتیم و با مادر شوهرم در یک حیاط زندگی می کردیم و هر موقع کم می آوردیم از مادر شوهرم که از مستمری شوهرش استفاده می کرد کمک می گرفتیم. همه چیز خوب پیش می رفت تا این که زندگی برادرم با خواهر شوهرم سر اعتیاد به هم خورد و از هم جدا شدند.

با طلاق گرفتن آن دو زندگی ما هم دچار چالش جدی و گیر دادن مادر شوهرم شروع شد. مادر شوهرم هر روز شوهرم را تحریک می کرد و او هم با چوب و چماق به جانم می افتاد و از خجالتم در می آمد. با زیاد شدن آزار و اذیت های مادر شوهرم حتی مهریه ام را هم بخشیدم تا شاید اوضاع عوض شود اما او دست بردار نبود.

شوهرم هم بعد از مدتی اصلا سر کار نرفت و هر بار که او را بیدار می کردم تا سراغ کار برود عصبانی می شد و انگار منتظر فرصت و بهانه بود تا حسابی مرا کتک بزند. سن و سال شوهرم کم بود برای همین تحت تاثیر مادرش قرار می گرفت و منتظر دستورات او بود. با به دنیا آمدن دو فرزندم نه تنها اخلاق شوهرم و مادرش خوب نشد بلکه بر عکس مدام آن ها بر طبل جنگ و جدل با من می کوبیدند و دق دلی طلاق برادرم از خواهر شوهرم را سر من خالی می کردند.

این داستان ادامه داشت تا این که روزی شوهرم چنان با مشت به صورتم کوبید که کبود و سیاه شد. از آن روز به بعد خودم را به پدرم نشان نمی دادم تا مبادا من را با آن وضعیت ببیند اما زیاد طول نکشید و یک روز صبح در خیابان با پدرم روبه رو شدم و همه چیز بر ملا شد.

پدرم بعد از پی بردن به ماجرا عصبانی شد و من را با دختر کوچکم به خانه خودش برد و بعد از مدتی از شوهرم به صورت توافقی جدا شدم. من حضانت دخترم را برعهده گرفتم و شوهرم هم حضانت پسرم را برعهده گرفت و هر کدام دنبال سرنوشت خودمان رفتیم. پدرم به خاطر خراب شدن زندگی من و برادرم به شدت افسرده شد

> یک شب که از یک پاتوق بر می گشتم زمانی که سوار یک ماشین شدم راننده با همدستی یک نفر دیگر با گذاشتن تیغ زیر گلویم به زور من را به یک خرابه بردند تا آزارم دهند

و مدام غصه می خورد تا این که دوام نیاورد و قلبش از تپش افتاد و فوت کرد. وقتی پدرم را از دست دادم از نظر روحی و روانی به هم ریختم و چون برادرم معتاد به مواد صنعتی بود به صورت پنهانی از ته مانده هروئین او مصرف می کردم تا شاید کمی آرام شوم و با این وضعیت در دام اعتیاد افتادم. با ادامه این ماجرا اعتیادم لو رفت و بعد از آن با برادرم شروع به خرید و فروش مواد کردیم.

هر چقدر مادرم آه و ناله می کرد فایده ای نداشت و ما هر دو به کارمان ادامه می دادیم. قاچاق فروشی مان ادامه پیدا کرد تا این که یک روز برادرم گیر افتاد و به ۵ سال حبس محکوم و زندانی شد. بعد از دستگیری برادرم از ترسم قاچاق مواد را کنار گذاشتم و برای تامین هزینه مواد شروع به فروش وسایل خانه ام کردم.

بعد از مدتی با یک ساقی مواد آشنا شدم و مدتی با او ارتباط داشتم و زندگی می کردم. این رابطه هم بعد از چند صباحی با دخالت خانواده ساقی به هم خورد و من به ناچار نزد مادرم برگشتم و ساقی هم به کمپ رفت. زن در به در شده مدام اشک هایش را پاک می کند و ادامه می دهد: چند سال است که حسرت به دل در آغوش گرفتن پسرم مانده ام. البته گهگاهی از دور هنگام مدرسه رفتن او را نگاه می کردم اما هیچ وقت از نزدیک او را ندیدم چون می ترسیدم پسرم من را در آن وضعیت ببیند و جلوی دوستانش خجالت زده شود. مادر شوهرم اصلا اجازه دیدار ما را نمی داد. مدام شب و روزم را با افراد بی سرپناه و معتاد در پاتوق ها می گذراندم و بعد از آن هم با ظاهری آشفته و خسته به خانه مادرم بر می گشتم.

حتی یک شب که از یک پاتوق بر می گشتم زمانی که سوار یک ماشین شدم راننده با همدستی یک نفر دیگر با گذاشتن تیغ زیر گلویم به زور من را به یک خرابه بردند تا آزارم دهند اما از خوش شانسی ام در همان حین یک موتورسیکلت از کنار خرابه گذشت که حواس آن دو شیطان صفت برای لحظه ای پرت شد و من هم از این فرصت استفاده کردم و با وضعیت نامناسب پا به فرار گذاشتم و خودم را به یک خودروی عبوری رساندم و از چنگ آن دو نفر نجات یافتم.

این دربه دری و پاتوق رفتن ادامه یافت تا این که روزی حین خرید مواد گیر افتادم و زمانی که خواستند من را به زندان ببرند دختر ۱۲ ساله ام متوجه ماجرا شد و از شدت غصه دست به خودکشی زد که یک هفته به کما رفت و برای همین من هم با سند آزاد شدم و نزد دخترم برگشتم. بعد از این زندانی شدن و خودکشی دخترم با حمایت یک نهاد دولتی دخترم را به یک خوابگاه فرستادم تا در آن جا درس بخواند و خودم هم مثل ارواح مدام در کوچه پس کوچه ها دنبال بوی مواد سرگردان بودم تا این که دوباره در یک پاتوق حین مصرف مواد دستگیر شدم و من را به کمپ آوردند.

می خواهم این بار بر اعتیادم غلبه کنم تا یک بار هم که شده مادر خوبی برای دو فرزندم باشم و بعد از سال ها فراق، پسرم را در آغوش بگیرم و یک دل سیر نوازشش کنم.

اخبار

کشف ۱۷۳ گوشی قاچاق

صدیقی- کشفیات کالای قاچاق طی هفته های اخیر از برخی باربری های بجنورد افزایش یافته است و در آخرین مورد طی روزهای قبل ۱۷۳ گوشی تلفن همراه قاچاق کشف و ضبط شد. مدیرکل تعزیرات حکومتی خراسان شمالی گفت: ماموران پلیس آگاهی استان در راستای مبارزه با قاچاق کالا و ارز در بازرسی از یک باب مغازه در آشخانه موفق به کشف این تعداد کالای قاچاق شدند. «سید الموسوی» با بیان این که ارزش ریالی کالاهای کشف شده بیش از ۷۰۰ میلیون ریال است اظهارکرد: گزارش تخلف از سوی مراجع انتظامی به تعزیرات حکومتی ارسال شد و در شعب ویژه رسیدگی به تخلفات قاچاق کالا و ارز به منظور صدور حکم در حال بررسی است.

ادعای ضرب و شتم یک جانباز و واکنش شهرداری

در پی انتشار خبری در فضای مجازی مبنی بر ضرب و شتم یک خانواده جانباز هنگام تخریب منزلش توسط پلیس ساختمان شهرداری، روابط عمومی شهرداری بجنورد این ادعا را تکذیب کرد.

براساس اخبار منتشر شده در فضای مجازی مأموران شهرداری بجنورد با رفتاری خشونت آمیز فردی را که منزلش را بدون مجوز ساخته است از منزل بیرون کرده اند در حالی که او توانایی راه رفتن نداشته است.

بر اساس ادعای همسایگان این خانواده، این درگیری موجب آسیب دیدگی شدید چند نفر از اعضای این خانواده شده است.

مسئول روابط عمومی شهرداری بجنورد در این باره به خبرنگار ما گفت: در پی انتشار خبر ضرب و شتم فردی مقابل منزلش توسط نیروهای اجراییات و پلیس ساختمان شهرداری این موضوع را بررسی کردیم . «داورپناه» هر گونه ضرب و شتم یکی از شهروندان را رد کرد و گفت: با توجه به ساخت منزلی بدون پروانه ساختمانی و رعایت اصول ساختمانی در نقطه ای از شهر بجنورد کمیسیون ماده ۱۰۰ در این رابطه با حضور نماینده دستگاه قضایی و نیروی انتظامی تشکیل شد و با توجه به مدارک و مستندات موجود، این کمیسیون ساخت این ساختمان را غیر مجاز دانست و دستور تخریب آن را داد.

وی تصریح کرد: در پی صدور حکم تخریب به مالک این بنا اخطار داده شد اما در پی بی توجهی به اخطار قانونی، نیروهای اجراییات شهرداری به همراه نمایندگان نیروی انتظامی به محل مراجعه و اقدام به تخریب منزل مذکور کردند. وی خاطرنشان کرد: ساکنان این منزل به خودروهای شهرداری آسیب رسانده اند و شهرداری حق خود را در شکایت از این خانواده محفوظ می داند.

تلنگر

چگونه به اموال بدهکار باید دست یافت؟

همواره یکی از بزرگ ترین دغدغه‌های مدیون این بوده است که دسترسی به اموال بدهکار داشته باشد تا بتواند از محل آن اموال، طلب خود را وصول کند. این در حالی است که غالباً مدیون به دلیل عدم حمایت‌های قانونی در این مورد موفق به شناسایی اموال محکوم علیه نمی‌شود. یکی از همین موارد عدم توفیق، عجز طلبکار در شناسایی و توقیف حساب‌های بانکی محکوم علیه است. اما در ادامه به بیان برخی حمایت‌های قانون گذار از محکوم له در جهت توقیف و شناسایی حساب‌های بانکی محکوم علیه خواهیم پرداخت. قانون گذار در ماده ۱۹ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی بیان می کند: مرجع اجرا کننده رأی باید به درخواست محکوم له به بانک مرکزی دستور دهد که فهرست کلیه حساب‌های محکوم علیه در بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری را برای توقیف به مرجع مذکور تسلیم کند.همچنین مطابق تبصره یک ماده موصوف، مراجع مذکور در این ماده مکلفند به دستور دادگاه فهرست و مشخصات اموال متعلق به محکوم‌علیه و نیز فهرست نقل و انتقالات و هر نوع تغییر دیگر در اموال مذکور از یک سال قبل از صدور حکم قطعی را به دادگاه اعلام کنند.تبصره ۲- مفاد این ماده در مورد اجرای قرارهای تأمین خواسته موضوع ماده (۱۰۸) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹/۰۱/۲۱ و نیز اجرای مفاد اسناد رسمی مجری است.

معاونت فرهنگی دادگستری کل خراسان شمالی

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به این که آقای علی اصغر فخرانی فرزند عبدالحسین شناسنامه ۲۴۸۱ شماره ملی ۰۷۵۹۲۵۸۳۵۱ باستناد دو برگ استشهادیه گواهی شده منضم به تقاضای کتبی جهت دریافت سند مالکیت المثنی نوبت اول به این اداره مراجعه کرده و مدعی است سند مالکیت ششدانگ یکصد هزار سهم مشاع از مجموع ۲۵۵۱۱۳۱۰۰ سهم از ششدانگ یک قطعه زمین به شماره پلاک ۱۰۵۵ فرعی از ۲۷۳- اصلی بخش ۷ بجنورد، حوزه ثبتی جاجرم واقع در مجاور شهر درق که متعلق به خود وی می باشد بعلت نامعلومی مفقود گردیده است با بررسی دفتر املاک معلوم شد نسبت به ششدانگ پلاک فوق سند مالکیت به شماره چاپی ۴۱۲۴۸۱-الف/۸۳ ذیل ثبت ۹۵۷۱ صفحه ۱۹۳ دفتر املاک جلد ۶۰ به نام خود مالک صادر و تسلیم گردیده، سپس برابر سند رهنی شماره ۱۵۴۵۵-۱۳۹۰/۰۳/۳۰ دفترخانه ۲۷ جاجرم در رهن بانک کشاورزی جاجرم قرار گرفته است. دفتر املاک بیش از این حکایتی ندارد لذا به استناد تبصره ۱ اصلاحی ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت مراتب را یک نوبت آگهی و متذکر می گردد هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله ای انجام داده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود میباشد بایستی ظرف ده روز از تاریخ انتشار این آگهی اعتراض کتبی خود را به پیوست اصل سند مالکیت یا سند معامله رسمی به این اداره تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض در مهلت مقرر و یا وصول اعتراض بدون ارائه سند مالکیت یا سند معامله رسمی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی و تسلیم آن به متقاضی اقدام خواهد شد. **تاریخ انتشار: ۱۳۹۷/۰۷/۱۲**

اردلان محمدی کوشکی- کفیل اداره ثبت اسناد و املاک جاجرم

۹۷۱۰۹۰۳۱/و

آگهی ابلاغ اجرائیه کلاسه ۱۳۹۷۰۴۰۰۷۱۴۸۰۰۰۱۹۱

بدین وسیله به آقای امید فاطمی شامیر فرزند محمد به شماره شناسنامه ۹۵ و کدملی ۵۲۴۹۹۸۰۶۸۶ صادره از خراسان شمالی حوزه مانه و سملقان ساکن آدرس متن سند: بجنورد- خیابان نیروگاه - خیابان تک فاز و آدرس اعلامی بخش مانه روستای گزآباد منزل محمد فاطمی شامیر ابلاغ می شود که خانم فهیمه درجی به استناد مهریه مندرج در سند ازدواج ۹۵/۸/۲۹-۵۰۱۸ دفترخانه ازدواج ۱ و طلاق ۱ جاجرم جهت وصول مهریه یک جلد کلام الله مجید و یک شاخه نبات و تعداد سیصد و چهارده عدد سکه طلا تمام بهار آزادی رایج بر ذمه زوج است که عندالمطالبه به زوجه پرداخت نماید. بعلاوه مبلغ سیصد میلیون ریال بابت خرید لوازم منزل که زوج عندالمطالبه تهیه و خریداری نماید و متعلق به زوجه می باشد علیه شما اجرائیه صادر نموده و پرونده اجرائی به کلاسه ۱۳۹۷۰۴۰۰۷۱۴۸۰۰۰۱۹۹ و شماره بایگانی ۹۷۰۰۲۰۶ در این اداره تشکیل شده و طبق گزارش مورخ ۹۷/۷/۷ اداره ثبت مانه و سملقان در آدرس اظهاری ابلاغ واقعی به شما میسر نگردیده، لذا بنا به تقاضای بستانکار طبق ماده ۱۸ آئین نامه اجرا مفاد اجرائیه فقط یک مرتبه در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار محلی آگهی می شود و چنانچه ظرف مدت ده روز از تاریخ این آگهی که روز ابلاغ محسوب می گردد، نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام ننمایید، عملیات اجرائی جریان خواهد یافت.

مسئول واحد اجرای اسناد رسمی جاجرم

۹۷۱۰۹۰۵۳/و

قابل توجه ادارات، نهادها، شرکت ها، مدارس، مشاغل آزاد و همشهریان محترم بجنورد

به منظور رفاه حال شهروندان گرامی مراکز ذیل در سطح شهر آماده پذیرش آگهی های شما در روزنامه خراسان سراسری و شمالی می باشد

دفتر مرکزی: خیابان بسیج، دفتر سرپرستی روزنامه خراسان تلفن: ۳۲۲۴۵۰۰۵

شعبه ۱: خیابان شریعتی شمالی، خیابان شهید قربانی (خیابان جنب مسجد انقلاب) روبروی لوازم خانگی توحیدی — کریمی تلفن: ۳۲۲۲۲۷۲۵-۳۲۲۲۲۷۵۲

شعبه ۲: خیابان طالقانی غربی، حد فاصل چهارراه هنگ و چهارراه بانک مسکن، پشت ایستگاه خط واحد — سهرابی تلفن: ۳۲۲۴۲۵۷۵-۳۲۲۴۲۵۹۵

شعبه ۳: حاشیه میدان مادر، جنب عکاسی نوید، طبقه بالای سوپر گوشت نادر — مهدوی تلفن: ۳۲۲۲۹۱۱۷

شعبه ۴: ۱۷شهریور جنوبی، روبروی میرزاکوچک خان، نبش کوچه عزیز مصر، مجتمع نگین شهر — استادی تلفن: ۳۲۲۲۳۸۷۰۱-۳۲۲۲۲۱۹۹

۹۷۱۰۹۲۹۳/و